

بیانیه

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

جنبش چپ ایران بی تردید نیروی اجتماعی غیرقابل انکاری در مبارزه مردم ما برای استقلال، آزادی، و عدالت اجتماعی بوده است. این جنبش وارث صد و پنجاه سال مبارزه جنبش جهانی کارگری و سوسیالیستی است. بخش بزرگی از این تاریخ، تجربه ایست که بیش از هفتاد سال بنام سوسیالیسم در بخشی از جهان جریان داشته و مهر و نشان خود را بر اندیشه و عمل چپ ایران نیز زده است. ولی این جنبش برغم تأثیرات منفی این «سوسیالیسم» در نظر و در عمل، برغم تراژدی و فاجعه استقرار نظامی توتالیتار بنام آرمان رهایی بشریت مترقی، برغم کزروها، خطاهای بزرگ و خیانت در صفوف آن و برغم نفوذ افکار غیردمکراتیک در آن، همواره با انگیزه ذهنی پیکار با دیکتاتوری و استبداد و برای ترقی و عدالت اجتماعی، برای آزادی و بهبود زندگی زحمتکشان مبارزه کرده و در پیکار عمومی مردم ما پیوسته نقشی مؤثر و فعال داشته است. امروز نیز شرکت و نقش فعال این جنبش در مبارزه، بی شک یکی از شرایط ضروری هرگونه تحول رادیکال در جهت تضمین استقلال، استقرار آزادی و دمکراسی، رشد همه جانبه و بهبود وضع زندگی مردم ماست.

ایفای چنین نقشی، اما، قبل از هرچیز مستلزم حضور سازمان یافته این جنبش در صحنه مبارزه سیاسی است.

طی سالهای گذشته تلاشها و ابتکارهای گوناگونی (بویژه در خارج از کشور) در راه شکل گیری سازمانی این جنبش و تشکل نیروهای وسیع و پراکنده چپ انجام گرفته است. ولی این کوششها هنوز به نتایج مطلوب منتهی نگردیده و نتوانسته است به وضع موجود پایان دهد. هم اکنون آنچه بنام چپ، بصورتی کم و بیش سازمان یافته وجود دارد، طیفی است که بخشی از آن با وجود برخی تغییرات در شیوه تفکر و عمل گذشته و انتقادهایی به سوسیالیسم اردوگاهی، هنوز اساساً با همان اندیشه ها و استنتاج های کهنه پیشین و بی اعتنا به واقعیت های سیاسی و اجتماعی کنونی در سراب تحقق اتوپیهای خود و در پندار تحمیل اراده گرایانه «سوسیالیسم» خویش به جامعه ایران میباید و بخشی دیگر از گرایش های توده ای گذشته است که از چپ تنها تابلویی رنگ باخته را یدک می کشد. این بخش از چپ، گرچه «اردوگاه سوسیالیستی» را از دست داده، منش و فرهنگ حزب توده را همچنان حفظ کرده است.

بنابر این، جای یک جریان سوسیالیستی چپ که از تجارب مثبت و منفی گذشته جنبش سوسیالیستی در سطح جهانی بهره جسته بتواند نیروی بزرگ ولی پراکنده کنونی را به تشکلی گسترده تبدیل کند، کماکان خالی است.

پرکردن این خلاء، یعنی حضور سازمان یافته چپ در صحنه سیاسی ایران، نه فقط ضرورتی است سیاسی و تاریخی، بلکه با توجه به وضعیت کنونی ایران نیازی است مبرم.

ما جمعی از سوسیالیست های چپ ایران، در ادامه تلاش های فردی و جمعی خود برای پایان دادن به پراکندگی موجود و تبدیل جنبش چپ به نیروی اجتماعی بالفعل و مؤثری در صحنه سیاسی ایران، بدنبال سلسله نشست هایی و توافق بر روی برخی از زمینه های فکری و نقطه نظر های اساسی، کوشش مشترکی را برای پاسخ به ضرورت تاریخی و نیاز سیاسی فوق آغاز نموده ایم و از همه فعالان و مبارزان چپ مترقی و آزادیخواه و از همه علاقمندان به سرنوشت جنبش سوسیالیستی چپ ایران برای اقدام مشترک جهت بسراجم رساندن و موفقیت این کوشش دعوت می کنیم.

ما به دشواریها و موانعی که در برابر تحقق این امر قرار دارد آگاهیم، و طی بیش از دهسال تلاش در گذشته بلاواسطه همواره با آنها روبرو بوده ایم. کوشش کنونی را نیز به اتکاء و تجارب تلاش های گذشته شروع کرده ایم.

وضعیت امروز چپ ایران ناشی از بحران نیست که بدنبال دو شکست بزرگ، یکی در مقیاس ملی بدنبال شکست سیاست های چپ در انقلاب بهمن ماه ۵۷، در دوران شکل گیری و تثبیت جمهوری اسلامی، و دیگری در سطح جهانی با فروپاشی «سوسیالیسم واقعاً موجود»، پدیدار گشت. این بحران دامنه وسیعی از عرصه های فلسفی، تنوری، تشکیلاتی و معنا و مفهوم چپ بطور کلی تا مجموع نظام فکری و سیستم عملکردی که بنام سوسیالیسم و مارکسیسم رواج داشته است را دربرمی گیرد.

پس از پیروزی انقلاب اکتبر، سوسیالیسم عمدتاً مترادف با سیستمی تلقی می‌شد که در شوروی حاکم بود. در چارچوب این سیستم حزب کمونیست، که ظاهراً نماینده سازمانی جنبش سوسیالیستی و جنبش طبقه کارگر بشمار میرفت و بنا بود وسیله‌ای برای آزادی قطعی طبقه کارگر و زحمتکشان باشد، خود عامل بازدارنده رشد آزادانه و فعال این طبقه و توده‌های مردم، توجیه‌گر دیکتاتوری و استبداد فراگیر در کشورهای «سوسیالیستی» و ابزار سلطه اقلیت حاکم در این کشورها بر طبقه کارگر و زحمتکشان بود. سوسیالیسم که در حقیقت بیان آزادی واقعی انسان است، در این سیستم، در عمل با نظامی دیکتاتوری و خرافاتی مترادف گردید.

بحرانی که نتیجه روبروشدن جنبش سوسیالیستی با واقعیت‌های نامبرده است، بی‌شک تنها زمانی پشت سر گذاشته خواهد شد، که جنبش سوسیالیستی چپ ایران به سهم خود بتواند این «سیستم» و مجموع نظام فکری و عملکردی گذشته را به نقد بکشد و خود را از محدودیت آن رها سازد.

کوشش‌های پراکنده و غالباً فردی فعالان چپ در این زمینه، گرچه تاکنون به روشن کردن جوانبی از مسائل فوق کمک کرده، لیکن عدم تحول لازم در فکر و عمل همچنان یکی از عوامل اصلی ناکامی تلاش‌ها برای تشکل دوباره چپ بشمار میرود. بازیبنی انتقادی تئوریک و اندیشه‌هایی که در این دوران بنام سوسیالیسم اساس فکری و راهنمای عمل جنبش کارگری و سوسیالیستی بشمار می‌رفته، گسست آگاهانه از آنها و تحول فکری و عملکردی، شرط اساسی بازسازی و ایجاد جریان‌های متشکل از سوسیالیست‌های چپ است. سوسیالیست‌های چپ ایران بر پایه این بازیبنی انتقادی، در واقع، هویت خویش را تعیین و خود را دوباره تعریف می‌کنند.

بر مبنای چنین دیدگاهی و با توجه به نیازهای بلاواسطه جنبش چپ در ایران، ما نقطه نظر‌ها و نکات زیر را برای کمک به اقدام مشترک در راه ایجاد جریان‌های متشکل از سوسیالیست‌های چپ ایران میدانیم:

۱- گسست کامل و آگاه از سیستم فکری و شیوه‌های عملکردی چپ سنتی و سوسیالیسم استبدادی و تعریف دوباره از چپ، از سوسیالیسم و چگونگی مناسبات و پیوند جنبش سوسیالیستی با مبارزات زحمتکشان بطور عام و طبقه کارگر بطور خاص.

موضوع آرمان سوسیالیستی و جنبش سوسیالیستی رهائی واقعی انسان از طریق دگرگونی مناسبات استثماری سرمایه داری است. این امر، ولی، تنها از طریق مبارزه مستقیم خود طبقات تحت ستم و استثمار، از طریق جنبش این طبقات و به عبارت دیگر از طریق جنبش اجتماعی است که می‌تواند تحقق یابد. به سخن دیگر رهائی طبقه کارگر باید نتیجه مستقیم و بلاواسطه کار خود آن طبقه باشد. هیچ منجی یا منجیانی و هیچ گروه، سازمان و حزبی نمی‌تواند بجای آنان و بنام آنان یا به نمایندگی از طرف آنان عمل کند و آنها را «رها» سازد. جنبش سوسیالیستی مجموعه‌ایست از اشکال گوناگون مبارزات جمعی و فعالیت‌های مشارکتی مردم برای تأمین خواسته‌های مشترک، برای کنترل ارگان‌های قدرت، برای دخالت در پروسه تحولات اجتماعی، برای تغییر شرایط موجود و شرکت مستقیم در روند این تغییرات و سرانجام برای رفع مناسبات سلطه طبقاتی حاکم و استقرار آگاهانه آنچنان مناسباتی که در آن انسان بلاواسطه و بطور مستقیم اداره امور خود را بدست می‌گیرد.

سازمان‌های چپ سوسیالیستی بمثابه بخشی مهم از این جنبش و نماینده منافع عمومی و مشترک آن وظیفه دارند به این جنبش اجتماعی در اشکال مختلف تظاهر آن یاری رسانند و در هدایت رادیکال روند دگرگونی‌ها و اهداف جنبش بکوشند.

۲- سازمان‌های چپ سوسیالیستی در عین سمتگیری قاطع و پیگیر در جهت منافع زحمتکشان و قشرهای محروم جامعه و مبارزه برای تقسیم عادلانه‌ی ثروت اجتماعی باید همواره؛ به شرایط عینی و اجتماعی موجود و الزامات رشد اقتصادی کشور توجه جدی مبذول دارند.

۳- سازمان‌های سوسیالیستی چپ وظیفه دارند همراه با نقد مناسبات سرمایه داری و نشان دادن تناقضات درونی و ماهیت استثماری این نظام در محدوده روابط سرمایه داری نیز در راه بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و فشار و ستم مبارزه کنند و از دخالت روز افزون جنبش‌های اجتماعی و نهادهای صنفی و دمکراتیک در اشکال گوناگون آن پشتیبانی کرده آنها را تبلیغ و ترویج نمایند.

سازمان‌های سوسیالیستی چپ هم بیانگر مصالح و منافع تاریخی جنبش کارگری و زحمتکشان جامعه و هم مدافع خواسته‌ها و مطالبات روزمره و جاری آنها هستند و باید همواره هم منافع کوتاه مدت و هم مصالح و منافع دراز مدت جنبش را مد نظر داشته یکی را فدای دیگری نسازند.

۴- معضل تاکنونی چپ و زمینه بسیاری از تراژدی‌ها درک نادرست از رابطه دیالکتیکی میان جنبش سوسیالیستی، حرکت عملی- تجربی واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان و شرایط مادی و عینی حاکم بر جامعه بوده است. آنچه نهایتاً می‌تواند به براندازی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم بیابجامد، حرکت عملی- تجربی واقعی خود طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در شرایط مادی لازم و ذهنی مناسب است و نه کوشش اراده‌گرایانه عده‌ای نیک نیت برای متحقق ساختن آرمان‌ها و اندیشه‌های والای انسانی. به عبارت دیگر، هرچند هم جنبش سوسیالیستی را بخش آگاه این حرکت تاریخی بدانیم، در هر صورت این جنبش تنها بخشی از این حرکت تاریخی است و بهیچوجه نمی‌تواند تحت هیچ شرایط و اوضاع و احوالی جان‌نشین کل این حرکت و شرایط عینی و ذهنی ضروری برای آن باشد.

۵- اساسی که سازمان‌های سوسیالیستی باید بر مبنای آن ایجاد گردد، نه وحدت ایدئولوژیک و تئوریک- آنگونه که در احزاب سنتی چپ رایج بوده است- بلکه توافق بر روی اهداف سیاسی و اجتماعی، توافق بر روی برنامه سیاسی است. مسأله مرکزی برنامه، چگونگی ساختار و شکل قدرت سیاسی

دولت) و مناسبات اقتصادی بلاواسطه آینده است. برنامه سازمانهای سوسیالیستی ایران نباید ردیف کردن يك سلسله از اصول و آرزوهای «خوب»، بلکه واقعبینانه و در انطباق با شرایط پیشیافته باشد، و بر پایه کار پژوهشی و استنتاجات کارشناسانه و با مشارکت صاحب نظران تدوین گردد و انعکاس آمیختگی خواستهای فوری و هدفهای دراز مدت طبقه کارگر و زحمتکشانشان باشد. چنین برنامه‌ای بی‌شک باید انعطاف پذیر بوده با تغییر شرایط تغییر یابد.

۶- مبارزه برای سوسیالیسم، و در این راه مبارزه برای استقرار و گسترش آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی همواره در مرکز وظائف و فعالیت سازمانهای سوسیالیستی در جامعه‌ای سرمایه داری قرار دارد. در ایران، این وظیفه نه تنها از شرایط فعلی و نیازهای بلاواسطه امروز، بلکه اساساً از هویت سازمان و جنبش سوسیالیستی ناشی می‌گردد. موضوع تلاش و پیکار تاریخی جنبش سوسیالیستی رهائی واقعی انسان از هرگونه مناسبات مبتنی بر استثمار فرد از فرد و سلطه و استقرار رادیکالترین و پیشرفته‌ترین شکل دموکراسی مستقیم است. لذا مبارزه برای آزادی و دموکراسی و گسترش بی‌وقفه آن، در هر شرایطی وظیفه تخطی ناپذیر این جنبش و بازتابی از هویت و وظیفه تاریخی آن است.

با توجه به اینکه امروز جمهوری اسلامی مانع اصلی هرگونه آزادی و پیشرفت اجتماعی است، مبارزه برای آزادی و دموکراسی در این مرحله قبل از هرچیز بمعنای مبارزه برای سرنگونی این رژیم است.

۷- استقرار، استمرار، و گسترش دموکراسی در ایران با شکل قدرت دولتی و ساختار سیاسی- اجتماعی ایران پیوندی تفکیک ناپذیر دارد. وجود دولت مقتدر مرکزی و تمرکز قدرت و امکانات اقتصادی در دست آن، یکی از زمینه‌ها و عاملهای اساسی شکل گیری استبداد و دیوان سالاری از یکسو و رشد ناهماهنگ اقتصادی مناطق مختلف کشور از سوی دیگر بوده است. بنابراین تغییر ساختار و شکل متمرکز دولت به دولتی بر اساس عدم تمرکز، خودمختاری یا خودگردانی، یکی از شرایط اساسی برای استقرار و استمرار دموکراسی، تحکیم همبستگی و همزیستی ملیتهای مختلف و رشد و پیشرفت در ایران است.

۸- سازمان سوسیالیستی چپ، مناسبات آزاد و دموکراتیکی را که مدعی است برای استقرار آنها در جامعه مبارزه می‌کند، پیش از هرچیز باید در درون خود اعمال نماید. بنابراین روابط درونی آن باید بر نفی ساختارها و مناسبات بوروکراتیک حزبی در گذشته و بر مبنای دموکراتیک سازمان داده شود. این مناسبات باید نمودار مناسبات آزادانه‌ای باشد که سازمان برای استقرار آن در جامعه مبارزه می‌کند. تشکیل جدید باید دموکراسی، آزادی نظر و حق گرایش و فراکسیون سیاسی و فکری را در درون خود رعایت و تضمین نماید.

پایان دادن به وضعیت کنونی و شکل گیری يك سازمان سوسیالیستی چپ بی‌تردید کاری بزرگ و مستلزم کوشش جمعی و مساعی مشترک نیروها و فعالان چپ می‌باشد. ما با توجه به تجربه تلاشهای پیشین و ارزیابیهای خود، نکات فوق را حداقلی برای اقدام در این جهت ضروری و لازم می‌دانیم.

همچنین بر این واقعیت آگاهیم که ما تنها بخش کوچکی از جریان سوسیالیستی چپ را تشکیل می‌دهیم و کوشش و فعالیت ما در جهت هموار ساختن راه دشوار ایجاد تشکلی گسترده و پایدار از سوسیالیستهای چپ ایران، تنها جزئی از کوشش و فعالیتی بس گسترده تر در ایران و در خارج از کشور است. نامی که برای جمع خود انتخاب کرده‌ایم- شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران- بیان این واقعیت و تأکیدی بر آن است. ما جمع خود را تشکلی موقت تلقی می‌کنیم که در اولین فرصت و با فراهم آمدن شرایط ایجاد تشکلی بزرگتر از سوسیالیستهای چپ ایران به آن خواهد پیوست. بنابر این از هر اقدامی که این امر را تسهیل و تسریع نماید، مانند برگزاری سیدینارها و کنفرانسهای شهری، منطقه‌ای و سراسری و فعالیتهای عملی مشترک و غیره، استقبال کرده به سهم خود در این جهت خواهیم کوشید.

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

دی ۱۳۷۵ - ژانویه ۱۹۹۷

آدرسهای تماس

فرانسه- پاریس (فاکس) 10-45 45 01 55

هلند

آدرس مرکزی

P. O. Box 90 20 6
NL- 1006 BE
Amsterdam
Holland

Postfach 10 24 35
D-60024 Frankfurt/M
Germany